

سریال «شیش ماهه» به پایان رسید، بازگشت مدیری به قاب تلویزیون را چطور می‌توان ارزیابی کرد

مهران معمولی



محمدحسین سلتانی
خبرنگار گروه فرهنگ

ما کم‌دی نویس نداریم، درباره این گزاره می‌توانیم، س‌ساعت‌ها با هم بحث کنیم و به هیچ نتیجه‌ای نرسیم (مثل عمده سمانلی که این روزها بحث‌هایش بی نتیجه می‌ماند)، اما اگر کمی به داده‌ها و آمارها رجوع کنیم می‌فهمیم که خیلی هم عبارت پرتی به زبان نیاوردیم، واقعیت این است که در ۱۰ سال اخیر عمده تولیدات موفق کم‌دی در سسینما توسط نو پسندگان کمتر از انگشتان یک دست نوشته شده و در نمایش خانگی هم اوضاع خیلی فرق جدی نمی‌کند.
شخصاً قحط‌الرجال است، دلپش را کارشناسان و فیلمنامه‌نویسان این حوزه یک چیز می‌دانند: مسیر کم‌دی س‌سازی و کم‌دی نویس شدن در انحصار افتاده است، بین چند نام، این به آن معنا نیست که آن‌ها اجازه نمی‌دهند دیگرانی وارد جریان کم‌دی‌سازی در ایران بشسوند، خیر. یک مثال این موقعیت کمیک را توضیح می‌دهد. فرض کنید شما نویسنده‌ای جوان و خوش قریحه هستید با یک متن کم‌دی، متن‌تان را می‌برید به فلان دفتر س‌ساخت فیلم و سریال و با هزار آرزو سیاه‌مشق‌تان را به آن‌ها می‌دهید، تهیه‌کننده، قریب به یقین، متوسل به چهار اقدام می‌شود: ۱. می‌گذارد چای‌تان را بخورید و بعد از اتاق، محترمانه بیروتان می‌کند. ۲. چایی برایتان نمی‌آوردند و بیروتان می‌کنند. ۳. محترمانه چایی را می‌خورید، اما می‌گوید نوشتن فیلمنامه را به تو نمی‌سپاریم و طرح‌تان را با یک قیمت ناچیز می‌خرند. ۴. طرح‌تان را می‌شوند، چایی هم نمی‌خورید، اما ممکن است چند ماه بعد چیزی مشابه طرح‌تان را روی پرده‌های سینما ببینید.

در چنین شرایطی شما به عنوان یک فیلمنامه‌نویس جوان با یک فیلمنامه کم‌دی اجازه س‌ساخت اثر پیدا نمی‌کنید. خب، اما شما همچنان به عنوان یک نویسنده می‌خواهید که کم‌دی نویسبید، پس باید چه کار کنید؟ جوابش واضح است، شما شوخی نویس می‌شوید. اگر جرتش را داشته باشید استندآپ کم‌دی اجرا می‌کنید یا اینکه در اینستاگرام پیج طنز می‌زنید. کمی هم که جلوتر رف می‌توانید با همان پیج طنز درآمد و نانی و دست آورد و از یک کم‌دی نویس به یک شوخی نویس یا کم‌دین-بلاگر بدل شوید.

«جوان‌گرایی و «شیش ماهه»

تمام این موقعیت کمیک را گفتیم که به اینجا برسیم؛ فارغ از اینکه «شیش ماهه» مهران مدیری را دوست داشته باشیم یا خیر، او در آخرین اثرش خلاف جهت شنا کرده. حالا این چه ربطی داشته به قصه بالا؟ ربطش در اینجااست که مدیری در «شیش ماهه» با وجود تمام شوخی‌های تکراری و آن مدل استفاده‌اگرچره از رنگ و طراحی صحنه و لباس، از آدم‌های جدید استفاده کرده است، چه در شخصیت اصلی و چه در تیم نویسندگان. میانگین سنی تیم نویسندگان مدیری به ۴۰ سال نمی‌رسد و محمد شعبان‌پور هم اولین بازی‌اش در یک سریال کم‌دی را به عنوان شخصیت اصلی تجربه می‌کند. مدیری می‌توانست در «شیش ماهه» هم به مانند باقی س‌ریال‌های چند سال اخیرش کار را بسپارد به برادران قاسم‌خانی و یا اینکه پای چهره‌های آشنای دیگری را به میدان بکشد، اما او گروهی از نویسندگان را به میدان می‌آورد تا خرق عادت کرده باشند و یک مسیر را بشکنند، درست شبیه به همان کاری که با آوردن آرش عباسی به پایتخت انجام شد و نتیجه‌اش هم پس از چند فصل قابل قبول شد.

این یعنی در شرایطی که سینمای ایران با چند بازیگر به تعداد انگشتان یک دست صندلی‌بازی می‌کند، فیلم‌سازی جرت‌به خرج می‌دهد و چهره معرفی می‌کند، چهره‌ای که اتفاقاً بدل به معدود نقاط قوت س‌سریال در بخش بازیگری می‌شود. این تصمیم مدیری در آوردن بازیگر و نویسندگان تازه برای اثرش نشان می‌دهد



او بحران‌های چند س‌سال اخیر سینمایی که در آن تنفس کرده را فهمیده و برای آن دست به اقدام زده است. این هم از دیگر مزایای پرورش نیروی انسانی باکیفیت برای یک سازمان است؛ کسی که روزگاری به او اعتماد شد تا عدای را با «پرواز ۵۷» و «س‌ساعت خوش» به تلویزیون بیاورد، دوباره و در عصر قحط‌الرجال، به تلویزیون نیروی انسانی معرفی کرده و تلویزیونی که توانش را نداشته تا بازیگران و نویسندگان را به عنوان چهره‌های شاخص کم‌دی به مخاطب پشناساند (کما اینکه شعبان‌پور سال‌ها قبل در برنامه استندآپ کم‌دی معرفی شد)، حالا مدیری دوباره خودش این وظیفه را بر عهده می‌گیرد و چهره‌ها را به تلویزیون معرفی می‌کند. مجموعه این اتفاقات نشان می‌دهد تلویزیون حالا و پس از چند سال به شکل و شمایل صحیح معرفی چهره‌ها روی آورده و به واسطه افراد اثرگذارش نیروی انسانی به تلویزیون معرفی می‌کند.

«مسئله نیروی انسانی است!»

فارغ از اینکه حاصل کار محمدامین فرشادمهر، احمدرضا کاظمی و امین انتظاری چیست، باید امیدوار باشیم که حداقل چند چهره کم‌دی نویس به مملکت اضافه شده که می‌توانند یک قصه تک‌خطی را روایت کنند. قصه‌ای که البته ضغف‌های روایی آن غیرقابل انکار است. «شیش ماهه» را هر اندازه که یک اثر ضعیف بدانیم روی این موضوع می‌توانیم اتفاق نظر داشته باشیم که آخرین سریال مهران مدیری به مراتب از آخرین تولیدش در نمایش خانگی اثر باکیفیت‌تری است. این موضوع را چه در متن و حتی در بازی‌ها می‌توان مش‌ساهده کرد. جفت و بست‌های فیلمانه، مدل شوخی‌ها و حتی شکل قصه‌گویی در متن «شیش ماهه» جلوتر از «قهوه پ‌ری» است؛ هرچند که هر دوی این آثار را نمی‌شود یک کم‌دی قابل قبول ارزیابی کرد. از جهت دیگر می‌توان «شیش ماهه» را ادامه سبک تازه‌نقد‌های مهران مدیری بر مسائل اجتماعی دانست، او در «شیش ماهه» هم مثل «هیولا» و «دراکولا» نقد را در درون قصه نمی‌نویسد، بلکه نقد را بیرون از آن تعریف می‌کند. «شیش ماهه» به

شکل مشخص در برابر اتفاقات روزمره واکنش نشان می‌دهد. از تغییر نقش‌های زن و مرد در خانواده می‌گوید به قرار اسست تیغش را بگیرد سمت خانواده‌های طبقه متوسط (رو به بالا) جامعه و از مدل تربیتی آن‌ها و مواجهه‌هایشان با نسل جدید بگوید. دایره انتقادات مدیری به اینجا خلاصه نمی‌شود و کنایه‌هایش را به اینجا خلاصه نمی‌کند. او از «عشق ابدی» گرفته تا روان‌شناسی زرد واکنش نشان می‌دهد. مدیری در این نقطه متوقف نمی‌شود و شوخی‌های متعددی را سههم حراجی تهران و جریان فاسد هنر می‌کند. البته این مدل از نقدها به صراحت آنچه در نمایش خانگی بیان می‌شد، مشخص نیست. مدیری با آنکه در رفتن به سراغ حراجی تهران هوشمندنی به خرج می‌دهد و در برهوت فضای بدون کم‌دی، یک حسن مع‌جوننی بامزه را به تلویزیون می‌آورد، اما این‌ها برای س‌ساخت یک کم‌دی ماندگار کافی نیست. اما دقیقاً چه چیزی «شیش ماهه» را به یک اثر متوسط و حتی ضعیف در کارنامه مهران مدیری بدل می‌کند؟

«از اینجا مانده و از آنجا رانده

همه چیز به س‌ساخت اثری خارج از طبقه اجتماعی خود و برای طبقه اجتماعی دیگری باز می‌گردد. مخاطب مدیری از طبقه او نبوده و نیست. از طرفی طبقه اجتماعی که مدیری می‌خواهد در س‌سریال‌هایش نشان دهد با طبقه مخاطبانش فاصله دارد، پس مدیری مجبور است چیزی بین این دو را در نظر بگیرد. یعنی بین طبقه مرفه و متوسط شهری یک چیز بینابین را در نظر بگیرد. در این شرایط او نه می‌تواند چیزی که می‌شناسد را بسازد و نه آن چیزی که می‌خواهد، ربطی به او و طبقه‌اش دارد. در نتیجه این وضعیت، مس‌اسحل می‌شود. سریالی که مشخص نیست مربوط به چه طبقه‌ای است و شوخی‌هایش قرار است چه کسی را بخنداند. شخصیت‌ها شغل ندارند و مسیر کسب در آمدشان مشخص نیست، منطق روایی قصه ضعیف دارد و فامیل در قصه فقط و تنها به دلیل «فامیل بودگی» پرت‌از مرحله و نان به نرخ روز خور شناخته می‌شود. در چنین شرایطی وقتی فیلمساز به چنین چاله‌ای می‌افتد، مجبور است بقیچه شوخی‌های تاریخ صرف گذشته را باز کند

میلیاردها تومان باید برای بازسازی سینماهایی که در جریان اغتشاشات تخریب و به آتش کشیده شدند، هزینه شود

پهلوی عادت به سینماسوزی را ترک نکرد

اما حوالی ساعت چهار و نیم تا پنج بامداد، تماس با مدیر سینما همه چیز را تغییر می‌دهد. سینما که در مجاورت شهرداری شاهین شهر قرار دارد، به آتش کشیده شده است. احمدی حوالی شش و نیم صبح به شاهین شهر می‌رسد؛ شهری که دیگر شبیه روز قبل نیست، آموزش و پرورش، شبکه بهداشت، ساختمان شهرداری و چندین نقطه دیگر دچار آتش شده‌اند. در میان آنها، سینما هم می‌سوزد؛ مکانی فرهنگی که برای استفاده خود مردم بوده است، آتش، همه چیز را بلعیده به گفته احمدی، شدت حریق به حدی بوده که حتی تیر آهن‌های مجموعه مثل شمع آب شده‌اند و سقف فرو ریخته است. از سینما چیزی سالم باقی نمانده؛ نه پرده نمایش، نه صندلی، نه سیستم صوتی و تصویری. اگر قرار باشد روزی این سینما دوباره احیا شود، عملاً باید از نو ساخته شود؛ نه ترمیم که ساخت یک سینمای جدید.

سینما شاهین شهر در نآازی‌های سال‌های قبل هم آسیب‌های جزئی دیده بود، اما این بار، به گفته احمدی، عزم حمله کنندگان بر نابودی کامل سینما بوده است. برآورد اولیه خسارت، رقمی بین صد تا صد و پنجاه میلیارد تومان است؛ خسارتی که شامل دوسالان سینما، صندلی‌ها، پرده نمایش، سیستم صوتی و پروژکتورها، سیستم فروش بلیت، بوفه شخصی و تمام تجهیزات مجموعه می‌شود. در این مجموعه، دوسالان سینما وجود داشته که یکی از آن‌ها شخصی بوده خوشبختانه به دلیل قرار گرفتن در کانون شلرغی‌ها، از آسیب مصون مانده است. سالان کنسرت شیخ بهایی، متعلق به شهرداری، نیز در همین محدوده قرار داشته که آن هم همراه با تمام تجهیزاتش به‌طور کامل از بین رفته است. اما سینمای یاسمن شاهین شهر که زیر مجموعه بهمن سبزو تحت مدیریت امور سینمایی استان اصفهان بوده، به‌طور کامل نابود شده است. به گفته احمدی، این سینما چیزی شبیه سینما بهمن تهران در میدان انقلاب بوده؛ پاتوقی برای اهالی فرهنگ، جلسات نقد و بررسی فیلم، دوره‌های سینمایی و برنامه‌های مختلف شهری در آن برگزار می‌شده بود یکی از سینماهای پربازدید، بر مخاطب س‌سوده منطقه بوده است. فقط از ابتدای فروردین تا زمان حادثه، سینما یاسمن شاهین شهر بیش از چهار میلیارد و ۳۰۰ میلیون تومان فروش داشته و حدود ۶۰۰ هزار مخاطب را در دوسالان با ظرفیت مجموع ۲۸۰ نفر میزبانی کرده بوده است. احمدی می‌گوید بلافاصله پس از حادثه، با مدیرعامل مجموعه بهمن سبزو هماهنگی کرده و موضوع را به حراست حوزه هنری کل کشور اطلاع داده است. پیگیری‌ها روزی‌ها سوز مجموعه بهمن سبزو و اداره ارشاد استان اصفهان ادامه داشته و مدیران ارشاد حتی به‌صورت حضوری از محل بازدید کرده‌اند. بااین حال، از سوی برخی صنوف سینمایی، تماس یا واکنش مشخصی دیده شده است؛ نه حتی یک بیانیه در واکنش به سینماسوزی شاهین شهر.

سینما یاسمن شاهین شهر در سال ۱۳۷۴ توسط شهرداری تأسیس شده است. در سال ۱۳۸۹، با ظرفیت ۲۲۰ نفر به موسسه بهمن سبزو واگذار و بازسازی می‌شود. در سال ۱۳۹۶ سالن دوم با ظرفیت ۴۲ نفر به آن اضافه می‌شود و پس از دوران کرون‌ا نیز یک مرحله به‌سازی دیگر را پشت سر می‌گذارد؛ مسیری که حالا با یک شب آتش به خاکستر ختم شده است.

سینماست. برآورد اولیه خسارت بین یک تا یک و نیم میلیارد تومان است و ثبت شکایت و کارشناسی تازه آغاز شده. بااین حال، بازسازی متوقف نمانده؛ فقط برای کرکه‌ها ۳۰۰ میلیون تومان هزینه شده و شیشه‌های سکوریت جدید، حدود ۱۵۰ تا ۱۸۰ میلیون تومان خرج برداشته است. شیشه‌هایی که طبق استاندارد بعد از حادثه سینما رکس آبادان نصب شده بودند؛ شیشه‌هایی برای خروج اضطراری، نه برای شکستن از بیرون. این بار اما، همان شیشه‌های نجات‌بخش، راه‌رو در مهاجمان شده‌اند. می‌وندی می‌گوید هرگز فکر نمی‌کرد کسی به سینما حمله کند؛ جایی که نه منفعتی دارد و نه دشمنی با مردم و اتفاقاً خود مردم از آن استفاده می‌کنند. این سینما حدود چهار سال به دلیل سرعت تعطیل بوده و بازیمحت فراوان دوباره راه افتاده بود. آن هم در شرایطی که چون سینما خصوصی و دارای چند شریک است، بعد از سرقت، بس‌سیاری راغب به بازگشایی نبودند و او با اصرار، سینما را دوباره سر پا کرده بود. حالا با وجود همه این‌ها، تلاش می‌کنند اگر شرایط اجازه دهد، هفته آینده سینما را دوباره راه‌اندازی کنند. از کمک مسئولان اما خبری نیست؛ به گفته او، مثل دفعات قبل، تنها تماس‌ها از سوی امور سینمایی وزارت ارشاد مش‌هد بوده و سینما شهر هم در حد کمک‌های جزئی و تأمین برخی تجهیزات توانسته همراهی کند. روایت سینما شهر فیروزه، روایت یک ساختمان نیست؛ روایت جایی است که قرار بود پناهی برای چند ساعت تماشا و آرامش باشد، اما در میانه ناآرامی‌ها، خودش به قربانی آتش و خشونت بدل شد.

«وقتی پرده سینما هم سوخت

ناآرامی‌های هفته گذشته، در اصفهان فقط به شیشه‌های شکسته و تعطیلی موقت ختم نشد. سینما یاسمن شاهین شهر، یکی از سینماهای فعال و مخاطب استان، این بار نه با تخریب محدوده که با آتش کامل از چرخه فرهنگ شهری حذف شد. روایت سینما یاسمن شاهین شهر، روایت خاموش شدن چراغ یک سالن نیست؛ روایت سوختن بخشی از حافظه فرهنگی یک شهر است. چراغی که روشن کردن دوباره‌اش، این بار به نفع بعضی شیشه که با ساختن همه چیز از نو ممکن خواهد بود. روایتی که سیدعلی احمدی، رئیس امور سینماهای بهمن سبزو در استان اصفهان تعریف می‌کند، روایت سوختن یک مکان فرهنگی است؛ مکانی که برای مردم ساخته شده بود. به گفته احمدی، اوج شلوغی‌ها به روزهای هجدهم و نوزدهم رسید. پنج شنبه به هجدهم، افرادی که به دنبال ناآرام کردن فضا بودند، به سینما حمله کردند. شیشه‌ها را شکستند و تلاش کردند در‌های ورودی را تخریب کنند. به اموال آسیب زدند، اما آن شب زودتر جمع شد و خسارت هاگسترده نبود. فردای آن روز، جمعه، احمدی برای سرکشی به سینما می‌رود و با دیدن محدود بودن آسیب‌ها، بلافاصله کار ترمیم آغاز می‌شود؛ شیشه‌ها تعویض می‌شوند، در‌های ورودی و خروجی تعمیر و تقویت می‌شوند و تمهیدات حفاظتی و امنیتی برای شبس پیش‌رو افزایش پیدا می‌کند. طبق اطلاع شورای تأمین امنیت، سینما که از صبح جمعه فعال بوده، ساعت ۱۸ تعطیل می‌شود.

«از سوزاندن لابی سینما تا آسیب جسمی به کارکنان

ناآرامی‌های ۱۰ روز گذشته، برای بعضی شهرها فقط تصویر دود و شعار نبود؛ برای بعضی مکان‌ها، تبدیل شد به زخم مستقیم بر تن زندگی روزمره مردم. یکی از این زخم‌ها، شامگاه پنجشنبه و جمعه، بر پیکر سینماها نشست. سینما شهر فیروزه نیشابور، یکی از همان جاهایی بود که هدف تخریب قرار گرفت؛ سالی که نه نماد قدرت بود و نه محل تصمیم‌گیری، بلکه جایی برای تماشای فیلم و نفس کشیدن شهر.

می‌وندی، مدیر این سینما، روایت را از حوالی ساعت هشت و ربع پنجشنبه شب شروع می‌کند. زمانی که به دلیل قطعی اینترنت، دوربین‌های مدار بسته هم از کار افتاده بودند. برای اطمینان، یکی از کارکنان را می‌فرستد اطراف سینما را بررسی کند. تماس که گرفته می‌شود، خبر واضح است: «دارن شیشه‌ها رو می‌شکنن.» به او می‌گوید جلوتر تا آس‌یبی نبیند. خودش قصد رفتن داشته، اما درگیری‌های داخل شهر را می‌بندد. یک ربع بعد، همکار دیگری که مسیر امن‌تری داشته، راهی سینما می‌شود؛ اما او هم نظاره‌گر صحنه‌هایی تلخ بوده حتی مورد حمله و آسیب قرار گرفته است؛ پلر همسرش در همان مسیر با ضرر به چاقو از ناحیه صورت مجروح می‌شود. سینما از دوش قبل، به خاطر شلوغی‌ها و برای حفظ امنیت کارکنان و مردم، تعطیل شده بود. به گفته می‌وندی، در آن شرایط کسی هم به سینما نمی‌آمد. بااین حال، تعطیلی مانع حمله نشد. یک خودروی بگان امداد مقابل سینما به آتش کشیده می‌شود و تمام وسایل لابی، از دستگه‌های فروش بلیت اینترنتی و کامپیوتر و تلویزیون گرفته تا یخچال‌ها، داخل همان ماشین در حال سوختن ریخته می‌شود. خسارت‌ها سنگین است؛ دویخچال کامل سوخته، تلویزیونی که به‌تازگی با هزینه ۱۵۰ میلیون تومان خریده شده بود، با سه ضرر به‌تیر از بین رفته، دستگه کارت‌خوان، صندلی‌ها و حتی گل‌های لابی. هر چه دم دست بوده، سوزانده شده است. دویخش از خود سینما هم آتش گرفته؛ یکی خاموش می‌شود و یخش دیگر، پرده مخملی در سالن بوده که به دلیل جنبش آتش گرفته و سالم مانده است. در حالی که بیرون سینما شلوغ بوده، تعداد افرادی که وارد ساختمان شدند بین بیست تا بیست و پنج نفر بیشتر نبوده‌اند. اما همین تعداد، برای ایجاد خسارت کافی بوده. سه نفر از پرسنل آسیب می‌بینند؛ دو نفر با ضرر به سر و یکی با جراحات شدید صورت. این کار مردم برای جلوگیری از بردن یخچال، با ضرر به چاقو از ناحیه صورت مجروح می‌شود؛ آس‌یبی که به عصب‌آلب او رسیده و به گفته مدیر سینما، متأسفانه احتمال ترمیمش هم کم است.

سینما ۱۰ پرسنل دارد و فقط هزینه حقوق آن‌ها ماهانه بین هشتاد تا نود میلیون تومان است. می‌وندی می‌گوید اگر مردم به سینما نیایند، پرداخت همین حقوق هم ممکن نیست. این در حالی است که سینما شهر فیروزه همیشه جز سینماهای پر مخاطب شهر بوده؛ سینمایی که به گفته او، اولین سینما ساخته شده بعد از انقلاب در ایران است. اولین سرقت سینمایی، اولین شکستن شیشه‌ها و حالا هم یکی از اولین سینماهای تخریب شده؛ خودش با لبخندی تلخ می‌گوید از این نظر، بلدانشان ترین



مریم فضا‌لی
خبرنگار گروه فرهنگ

در یک هفته‌ای که گذرانیدیم، چیزی‌های عجیب و حیرت‌آور و غم‌انگیز کم ندیدیم؛ از سوزاندن آدم‌ها تا آتش زدن کتاب‌های کتابخانه؛ اما اغتشاشگران سینما را هم آتش زدند، سینمایی که برای مردم پاتوق فرهنگی است؛ اما در آتش سوخت و ضررش باز هم به خود مردم رسید. آتش‌سوزی و تخریب چند سالان سینما بار دیگر زنگ خطری جدی را برای وضعیت فرهنگ و هنر در ایران به صدا درآورد؛ اتفاقی که فراتر از یک خسارت فیزیکی یا مالی، به مثابه حمله‌ای مستقیم به یکی از نمادهای حیات فرهنگی و اجتماعی کشور تلقی می‌شود. سینما صراف یک ساختمان با محل نمایش فیلم نیست، بلکه حافظه جمعی، محل گفت‌وگو و بستری برای بازتاب دغدغه‌های جامعه است. سوزاندن سینماها، در هر شکل و با هر انگیزه‌ای به معنای سوزاندن بخشی از این حافظه و حذف فضایی است که سال‌ها نقش واسطه میان مردم و فرهنگ را ایفا کرده است.

بااین حال، آنچه این اتفاق را بیش از نیش قابل تأمل می‌کند، نه فقط خود آتش‌سوزی‌ها، بلکه واکنش، بهتر است گفته شود عدم واکنش نهاده‌وا تشکل‌های صنفی سینماست. سینما صنفی سینمایی که در بزنگاه‌های مختلف، از توقیف فیلم‌ها گرفته تا مسائل معیشتی سینماگران، بیانیه صادر کرده و موضع‌گیری داشته است، این بار در برابر سوزاندن شدن سالن‌های سینما و تهدید مستقیم زیرساخت‌های فرهنگی، سکوت اختیار کرده است. سکوتی که پرسش‌های متعددی را در افکار عمومی و میان فعالان فرهنگی برانگیخته است.

این بی‌واکنشی در شرایطی رخ می‌دهد که انتظار می‌رود صنوف سینمایی، به‌عنوان مدافعان اصلی این هنر و صنعت، دست‌کم با موضع‌گیری رسمی، نگرانی خود را نسبت به ناامن شدن فضاهای فرهنگی اعلام کنند. سینماها تنها محل کسب درآمد نیستند؛ آن‌ها نماد حضور فرهنگ در شهر، نشانه‌ای از زندگی مدنی و بستری برای تعامل اجتماعی‌اند. وقتی سینمایی به آتش کشیده می‌شود، پیام آن فراتر از تخریب یک ملک است.

سکوت صنفی در برابر چنین رخداد‌هایی می‌تواند به‌نوعی عادی‌سازی خشونت علیه فرهنگ منجر شود. سکوتی که شاید از ملاحظات مختلف نشئت گرفته باشد، اما در نهایت، هزینه آن متوجه فرهنگی است که هر روز بیش از پیش در معرض فرسایش قرار می‌گیرد. اگر امروز سوزاندن سینما بدون واکنش بماند، فردا چه تضمینی وجود دارد که کتاب‌فروشی‌ها، تئاتر‌ها یا دیگر فضاهای فرهنگی با سرنوشتی مشابه رو به‌رو نشوند؟ انتظار از نهادهای صنفی، نه لزوماً موضع‌گیری سیاسی، بلکه دفاع شفاف و صریح از موجودیت سینما به‌عنوان یک ارزش فرهنگی است.

در این گزارش سرآغ چند سینمایی رفتم که در این روزها سوزانده شد و خسارت‌های زیادی به بار آمد.

فرهیختگان

فرهنگ



دوشنبه ۲۹ دی ۱۴۰۴



شماره ۴۶۱۰



FARHIKHTEGANDAILY.COM



FARHIKHTEGANONLINE

۵